

نقش متغیرهای فشار در تبیین نگرش نسبت به مصرف الکل:

مطالعه موردی دانشجویان

اکبر علیوردی نیا (دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران، نویسندهٔ مسؤول)

aliverdinia@umz.ac.ir

آفاق رستمیان (کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران)

afagh.rostamian@yahoo.com

زینب خاکزاد (کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران)

khakzad_67@yahoo.com

چکیده

در میان نظریه‌های موجود در حوزهٔ انحرافات اجتماعی، نظریهٔ فشار عمومی رابرت اگنیو طی دو دههٔ گذشته از اعتبار قابل توجهی برخوردار بوده است. در این نظریه، علت تفاوت رفتار انحرافی‌ای همچون مصرف الکل به احساسات منفی؛ مانند افسردگی و خشم برمی‌گردد. امروزه مصرف مشروبات الکلی و سایر مواد غیرقانونی توسط دانشجویان، یکی از مهم‌ترین مسائل بهداشتی و روانی است که بسیاری از کشورهای جهان تا حدودی با آن درگیر هستند. تحقیق حاضر با هدف بررسی نگرش دانشجویان نسبت به مصرف الکل انجام گرفته است. روش تحقیق، پیمایشی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه بوده است. جمعیت تحقیق، متشکل از کلیهٔ دانشجویان دانشگاه مازندران است. در مجموع، ۴۶۷ نفر (۳۰۹ دختر و ۱۵۸ پسر) از این دانشجویان با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب انتخاب شدند. چهارچوب نظری تحقیق، نظریهٔ فشار عمومی اگنیو بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین دختران و پسران از لحاظ گرایش به مصرف الکل تفاوت معناداری وجود دارد. پسران نسبت به دختران گرایش بیشتری به مصرف الکل دارند؛ اما بین دختران و پسران از لحاظ احساسات منفی؛ همچون خشم و افسردگی تفاوت معناداری وجود ندارد. یافته‌های تحقیق، فرضیه‌های نظریهٔ فشار را چندان تأیید نکردند و نتایج تحقیق تنها فرضیه‌های مبتنی بر اینکه حضور محرک منفی و خشم بر نگرش به مصرف الکل مؤثر است را تأیید کرده است.

کلیدواژه‌ها: نگرش، نظریهٔ فشار عمومی اگنیو، مصرف الکل، دانشجویان، حضور محرک منفی.

۱. مقدمه

دانشجویان همواره از مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی مؤثر در پیشبرد و ترقی بنیان‌های علمی و فرهنگی در هر جامعه‌ای هستند. دانشگاه همواره به عنوان سازمان و کانون علوم جدید، از ارکان ضروری جامعه بوده است. دوره دانشجویی زمانی است که با ضعیف شدن نظارت والدین و گسترش روابط با گروه‌های مختلفی از همسالان، فشارهای اجتماعی ایجاد می‌شود. بسیاری از آنها با ضربه‌ای عاطفی ناشی از گسیختگی خانواده و تغییرات مکرر در ساختار خانواده، خودشان را تحت فشار می‌بینند. از طرف دیگر، بعضی از آنها قادر به مواجه شدن با تقاضاهای آکادمیک و اجتماعی نیستند. این‌گونه نقایص در این زمینه‌ها می‌تواند به طرد شدن از اجتماعی که خود منبع دیگری برای فشار است، تبدیل شوند (سیگل^۱، ۱۹۹۸: ۱۸۱). اصولاً پرستیز بالای اجتماعی و فکری دانشجویان باعث می‌شود تا جامعه انتظار داشته باشد پدیده مواد مخدر و اعتیاد در بین آنها چندان دیده نشود. با وجود این، مواردی از مصرف مواد مخدر و اعتیاد در بین این گروه دیده می‌شود که نگرانی‌هایی را در پی داشته است (سراج زاده و فیضی، ۱۳۸۶: ۸۲). از طرف دیگر، تحقیقات داخلی نشان می‌دهند که بیشتر توجهات به مسأله مصرف الکل مبذول بوده است و در مقابل، مسأله نگرش به مصرف الکل کمتر کانون توجه محققان بوده است. از این رو، در تحقیق پیش رو عنصر نگرش نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

آلپورت نگرش را چنین تعریف می‌کند: «نگرش، یک حالت آمادگی ذهنی و عصبی است که از طریق تجربه سازمان می‌یابد و بر واکنش فرد نسبت به تمامی موضوعها و موقعیت‌های وابسته به نگرش، تأثیر مستقیم و پویا بر جای می‌گذارد» (پاشا شریفی، ۱۳۸۳: ۴۱۳). از این رو، می‌توان نگرش به مصرف مشروبات الکلی را به عنوان تمایل و کشش فرد به استفاده از مواد الکلی یا اعمال مرتبط با نوشیدنی‌های الکلی تعریف کرد که قابل تقسیم به سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری است. عنصر شناختی؛ شامل اعتقادات و باورهای شخص درباره یک شی یا اندیشه است. افراد نسبت به پدیده‌ها و آنچه که پیرامون آنها است، دارای آگاهی‌ها و اطلاعات متفاوتی بوده‌اند و به شیوه‌های مختلفی به پردازش می‌پردازند و به ادراکات و شناخت‌های متفاوتی از آن دست می‌یابند و لذا، افراد در مقایسه

با یکدیگر نگرش‌های متفاوتی نسبت به جهان پیرامون خود دارند. عنصر دوم نگرش، عنصر احساسی یا عاطفی آن است. انسان‌ها بر اساس باورها و اعتقادات خود نسبت به پدیده‌های مختلف در جهان پیرامون خود، دارای احساسات و عواطف گوناگونی هستند. سومین عنصر نگرش، عنصر رفتاری آن است. تمایل به عمل و آمادگی برای پاسخگویی به شیوه‌ای خاص، عنصر رفتاری نگرش محسوب می‌شود. فردی که نگرش مثبتی نسبت به یک شی یا یک موضوع دارد، تمایل و آمادگی بیشتری دارد تا در همان زمینه مورد علاقه خود اقدامات و اعمالی را انجام دهد.

نگرش‌های تثبیت‌شده، می‌توانند رفتارها را به شیوه‌ای کاملاً مستقیم هدایت کنند. نگرش‌ها از طریق راه‌اندازی مقاصد عمل به شیوه‌های خاص، رفتار را به شیوه حساب‌شده‌تری تحت تأثیر قرار می‌دهند. مقاصد نیز به نوبه خود رفتار منطبق با نگرش را برنامه‌ریزی می‌کنند (اسمیت و مکی، ۱۳۹۲: ۳۸۰). از نظر بوتوین احتمال مصرف مواد در افرادی که نگرش مثبت یا خنثی نسبت به مواد دارند، به مراتب بیشتر است. مصرف هر نوع ماده‌ای زمانی آغاز می‌شود که نظر و رویکرد مثبتی در رابطه با مصرف آن وجود داشته باشد. درواقع، نگرش و باورهای مثبت به مواد، تسهیل‌کننده زمان شروع مصرف هستند (کاوسیان، شیخ‌فینی، حاتمی، و مردانی، ۱۳۹۱: ۱۸۶). ازاین‌رو، با بررسی نگرش دانشجویان به مصرف الکل می‌توان رفتار و میزان آمادگی برای رفتار را پیش‌بینی کرد و با بررسی چگونگی شکل‌گیری نگرش، گامی در جهت تبیین آن برداشت.

در میان نظریه‌هایی که به تبیین جامعه‌شناسانه رفتارهای انحرافی پرداخته‌اند، می‌توان به نظریه فشار عمومی اگنیو^۱ اشاره کرد که یکی از نظریه‌های مهم و نسبتاً جدید در مباحث جرم‌شناسی است. در این نظریه، دلایل ارتکاب رفتارهای انحرافی در میان جوانان به فشارهایی که در زندگی اجتماعی به فرد تحمیل می‌شود، برمی‌گردد و افرادی که نتوانند این فشارها و تنش‌ها را تحمل کنند، از رفتارهای انحرافی به عنوان راهی برای کاهش این اضطراب‌ها و تنش‌ها استفاده می‌کنند. یکی از ویژگی‌های این نظریه این است که به بررسی انواع متفاوت رفتارهای انحرافی که توسط مردان و زنان رخ می‌دهد، می‌پردازد. بر اساس نظریه فشار عمومی رابرت اگنیو، مردان و زنان به دلایل گوناگون، رفتارهای انحرافی

متفاوتی را از خود نشان می‌دهند. از دیدگاه برویدی و اگنیو بزهکاری زنان و مردان ممکن است به چند دلیل اتفاق بیافتد:

مردان ممکن است احساس کنند که برای ارتکاب رفتار مجرمانه توانایی بیشتری دارند. زنان و مردان به دلیل جامعه‌پذیریشان به نحو متفاوتی با منابع فشار مقابله می‌کنند؛ مثلاً زنان بیشتر اشکال درونی رفتار نابهنجار را بروز می‌دهند؛ مانند پرخوری زیاد و مردان اغلب اشکال بیرونی رفتار نابهنجار را نشان می‌دهند؛ مثل خشونت. مردان نسبت به زنان کمتر به وسیله افراد مقتدر؛ مانند خانواده و یا مسؤولان مدرسه مثل کنترل می‌شوند و بنابراین، کنترل‌های درونی کمتری نسبت به رفتارهایشان دارند. زنان گروه، همالانشان را یک منبع حمایت در نظر می‌گیرند، در حالی که به نظر می‌رسد مردان، گروه‌های همسالانشان را غیرشخصی در نظر می‌گیرند. بر اساس نظر اگنیو و برویدی، تفاوت جنسیتی در رفتار انحرافی همچنین، به نحوه جامعه‌پذیری دختران و پسران و پذیرش نقش‌های زنانه و مردانه-شان بستگی دارد. جامعه‌پذیری دختران برای پذیرش نقش زنانه در آینده، بیشتر به نفع روابط فردی و غلبه بر استقلال و تنهایی است. روش مراقبت و پرورش نسبت به نقش زنانه ظاهراً منجر به این می‌شود تا زنان از عوامل پیشگیری‌کننده جرم و انحراف استفاده کنند (هیگینز، پیکوئرو و پیکوئرو^۱، ۲۰۱۱: ۲۷۶). مطابق با دیدگاه اگنیو، مصرف مواد و مشروبات الکلی به عنوان یک استراتژی کاهش تنش‌ها و فشارهایی در نظر گرفته می‌شود که افراد در زندگی با آنها مواجه هستند، از طرف دیگر، وی در تبیین رفتارهای منحرفانه‌ای؛ از جمله مصرف مواد و الکل از توجه به نقش متغیرهای روانشناسانه‌ای همچون حالت‌های احساسی منفی: افسردگی، ناامیدی، سرخوردگی و اضطراب ناغافل نبوده است (آسلین^۲، ۲۰۰۹: ۳۹). از آنجایی که تحقیقات انجام‌شده بر اساس نظریه فشار اگنیو در زمینه مصرف الکل در ایران محدود است و بیشتر مطالعات انجام‌گرفته بر روی مصرف سایر مواد مخدر به غیر از الکل است در نتیجه، تحقیق حاضر بر آن است تا با در نظر گرفتن جنسیت دانشجویان، فشارها و تنش‌هایی که در زندگی به آنها وارد می‌شود و آنها را به سمت نگرش مصرف الکل سوق می‌دهد، مشخص کند و نحوه اثرگذاری این متغیر بر روی فشار به سمت نگرش مصرف الکل بررسی و تبیین شود.

1. Higgins, Piquero, & Piquero

2. Asselin

۲. مبانی نظری

در رابطه با نظریه فشار عمومی رابرت آگنیو در داخل کشور تحقیقات محدودی صورت گرفته است. می‌توان اذعان کرد که این نظریه، نسبت به نظریه‌های دیگر در مبحث جرم‌شناسی، تا حدودی در ایران ناشناخته مانده است و همین امر یکی از مهم‌ترین دلایل ضرورت شناخت این نظریه است. در ادامه به تحقیقاتی اشاره می‌شود که صرف‌نظر از چهارچوب نظریشان به بررسی وضعیت مصرف الکل در بین دانشجویان پرداخته‌اند.

خانی مقدم، شجاعی زاده، جعفری، و ناصر خاکی (۱۳۹۰) در نمونه مورد مطالعه متشکل از ۷۲۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران دریافتند که فراوانی مصرف سیگار (۲۲ درصد)، قلیان (۲۳/۳ درصد) و الکل (۱۲ درصد) بوده است.

علیوردی‌نیا و هم‌متی (۱۳۹۱) در مطالعه دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به این نتیجه رسیدند که مردان در ابعاد شناختی، رفتاری، عاطفی گرایش بیشتری به مصرف مشروبات الکلی داشته‌اند. در مجموع، ۶/۸ درصد از پاسخگویان از گرایش متوسطی به مشروبات الکلی برخوردار بوده‌اند.

علیوردی‌نیا و خاکزاد (۱۳۹۲) در مطالعه خود به منظور بررسی قدرت تبیین نظریه فشار در تبیین رفتارهای انحرافی از جمله مصرف مواد و الکل در میان دانشجویان به این نتیجه رسیدند که مصرف مشروبات الکلی ۲۵/۳ درصد بود.

فروجیو، زامارو، و لوری^۱ (۲۰۰۹) درباره آزمون نظریه فشار دریافتند که فشار اعم از عدم دستیابی به اهداف ارزشمند، حذف محرک مثبت و حضور محرک منفی نقش متغیر مستقل را ایفا نکرده‌اند؛ بلکه متغیری میانجی بوده‌اند.

نتایج مطالعه آسلین (۲۰۰۹) در خصوص اینکه چگونه فشارها، متغیرهای وضعیتی و جنسیت با هم ارتباط دارند، نشان می‌دهد که مردان بیشتر از زنان به مصرف مواد و الکل گرایش داشتند و علت این امر به کمبود حمایت اجتماعی در آنها برمی‌گردد. در مقابل، اثر فشارها بر روی مصرف الکل در زنان معنادارتر بود.

1. Froggio, Zamaro, & Lori

مطالعه ولازکیوز، پولس، لتیمر، و پسک^۱ (۲۰۱۲) در میان دانشجویان کالج مطالعه نشان داد که به ازای هر واحد افزایش مصرف نوشیدنی‌های انرژی‌زا در ماه گذشته، احتمال مصرف نوشیدنی انرژی‌زا در ماه گذشته ۸۰ درصد، مصرف بیش از اندازه الکل ۸۰ درصد و مصرف نوشیدنی‌های انرژی‌زا مخلوط با الکل در ماه گذشته ۹۰ درصد افزایش می‌یابد.

روزالس و تیانگو^۲ (۲۰۱۲) در تحقیق خود به برآورد شیوع مقدار ورودی الکل و دخانیات در میان دانشجویان دانشگاه فدرال پلوتاس برزیل و همچنین، بررسی عوامل وابسته با هر دو رفتار پرداختند. داده‌ها نشان می‌دهد که ۵۳/۹ درصد زن و ۴۲/۳ درصد از پاسخگویان زیر ۲۰ سال بودند. در خصوص الکل ورودی، ۷۵ درصد از افراد نمونه یکبار در ماه یا کمتر الکل مصرف کردند. لارته، پرتی واتل، گریف، و گرلت^۳ (۲۰۱۳) پژوهشی با هدف بررسی الگوی مصرف الکل و مستی در دانشجویان علوم ورزشی فرانسوی انجام دادند. نتایج نشان داد که ۲۰/۴ درصد از افراد ۶ فقره مستی را در سال گذشته گزارش کردند. دانشجویان مرد دفعات بیشتر الکل نوشیده و دفعات بیشتری نیز به نسبت دانشجویان زن دچار مستی شدند.

متأسفانه در کشور ما مطالعات بر روی مشروبات الکلی برخلاف مواد اعتیادآور دیگر به صورت گسترده نیست؛ بلکه بیشتر پژوهش‌ها، در قالب مواد مخدر بررسی شده است. در صورتی که باید به مشروبات الکلی که شیوع مصرف آن در بین قشر تحصیل کرده، طی سال‌های اخیر افزایش شایان توجهی داشته است، به عنوان یک متغیر مستقل توجه بیشتری شود. همچنین، اغلب تحقیقات متمرکز بر امر «مصرف» هستند، در حالی که تحقیق حاضر در پی بررسی «نگرش به میزان مصرف الکل» در میان دانشجویان است.

در برخی از مطالعاتی که در داخل کشور صورت گرفته است، عوامل مؤثر در مصرف الکل شامل: جنسیت، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، احساس انومی، وجود فرد الکلی در خانواده، ناامیدی تحصیلی و شغلی، کاهش استرس و فشار روانی، کسب لذت، تقلید از دوستان و غیره است. در مطالعات خارجی، عواملی مانند جنسیت و ملیت و فرهنگ تأثیر بسزایی در میزان مصرف الکل دارد. همچنین،

1. Velazquez , Poulos, Latimer, & Pasch

2. Rozales, Thiago

3. Lorente, Peretti-Watel, Griffet , & Grélot

از عواملی مانند سن، تبلیغات، عوامل محیطی از قبیل امکان دسترسی به الکل، فشار همسالان، فشار دورنی، کمبود حمایت اجتماعی و وجود فرد الکی در خانواده و دوستان نیز نباید غافل شد. از آنجایی که تحقیقات انجام شده بر اساس نظریه فشار آگنیو در زمینه مصرف الکل در ایران محدود است و بیشتر مطالعات انجام گرفته بر روی مصرف سایر مواد مخدر به غیر از الکل است، در نتیجه، تحقیق حاضر بر آن است تا با در نظر گرفتن جنسیت دانشجویان، فشارها و تنش‌هایی که در زندگی به آنها وارد می‌شود و آنها را به سمت مصرف الکل سوق می‌دهد، مشخص کند و نحوه اثرگذاری این متغیر بر فشار به سمت نگرش به مصرف الکل، بررسی و تبیین شود.

تا چند دهه قبل، نظریه کلاسیک فشار که توسط افرادی همچون مرتون، کوهن، کلووارد و اهلین مطرح شد، از لحاظ تجربی، نوعاً به عنوان یک نظریه کلان محسوب می‌شد. به این معنا که بسیاری از فرضیه‌های آن، از طریق شاخص‌های مربوط به اهداف و دستاوردهای مادی آزمون می‌شد (لی و کوهن^۱، ۲۰۰۸: ۱۱۶). رابرت آگنیو پیشینه تحقیقات راجع به فشار و پرخاشگری را به نظریه فشار خود که بیشتر صبغه روانشناسی اجتماعی دارد، وارد کرد. به نظر وی فشار نقش مهمی در تبیین جرم و بزهکاری ایفا می‌کند؛ اما در این نوع فشار باید به روابط منفی با دیگران نیز تأکید کرد. وی علاوه بر فشار ناشی از مسدود شدن اهداف، فشار ناشی از حذف محرک مثبت و فشار ناشی از حضور محرک منفی را به نظریه فشار افزود (فرانسیس^۲، ۲۰۰۷: ۱۷). رابرت آگنیو در شکل جدید نظریه فشار سه نوع منبع فشار معرفی می‌کند که در ادامه هر یک از این منابع، به صورت جداگانه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

آگنیو استدلال می‌کند که عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت^۳ اولین نوع فشار در نظریه فشار عمومی است که جامعه‌ای با داشتن چنین مشخصه‌ای، احتمالاً بیشتر از سایر جوامع سبب انسداد اهداف می‌شود. به طور خاص، چنین جوامعی افراد را به سمت تأکید بیشتر بر اهداف خاصی هدایت کرده است و دستیابی به چنین اهدافی را برای افراد از طریق کانال‌های مشروع مشکل‌تر می‌سازد (آگنیو، ۱۹۹۹: ۱۲۷ به نقل از علیوردی نیا، ریاحی و موسوی، ۱۳۸۶). این فشار خود دارای سه

1. Lee and Cohen

2. Francis

3. Failure to Achieve Positively Valued Goals

زیرمجموعه است. اولین مورد از این گسستگی‌ها، گسستگی بین آرزوها و توقعات است که کانون نظریه‌های فشار پیشین است (همان، ۱۳۸۶). منبع دیگر فشار که در نتیجه مسدود شدن هدف ایجاد می‌شود، گسست بین انتظارات و دستاوردهای واقعی است. این فشار به عنوان گسست بین آن چیزی است که افراد انتظار دارند تا به آن برسند و آنچه که آنها واقعاً قادرند تا به آن برسند (کارسن^۱، ۲۰۰۷: ۱۰). سومین نوع گسستگی، زمانی ایجاد می‌شود که بین درآمدهای منصفانه (آنچه که باید باشد) و درآمدهای واقعی شکاف ایجاد شود (علیوردی نیا و خاکزاد، ۱۳۹۲: ۱۰۸).

مطابق با دیدگاه اگنیو، نوع دوم فشار از حذف محرک ارزشمند مثبتی^۲ که شخص به آن عادت کرده است، ایجاد می‌شود (باو، هس، و پی^۳، ۲۰۰۴: ۲۸۴). اگنیو با نظریه‌های فشار کلاسیک که تنها محرک‌های مثبت ارزشمندی را که حذف شده‌اند، مورد آزمون قرار می‌دهند، مخالفت کرد. اگنیو اظهار کرد که عناصر دیگری نیز باید به این دسته اضافه شود: پرهیز و دوری از وضعیت‌های دردناک؛ به عنوان نمونه یک کودک وقتی که از نظر جسمی و جنسی مورد آزار قرار می‌گیرد، فشار زیادی را تجربه می‌کند؛ علاوه بر این، اگر فشارهای دوران کودکی منجر به خشم شود، در این موقع فرد ممکن است از بزهکاری به عنوان یک مکانیسم جایگزین استفاده کند» (بل شاو و رودریگز^۴، ۲۰۱۰: ۱۳۹). نوع سوم فشار با وجود یک محرک منفی^۵ ایجاد می‌شود. قرار گرفتن شخص در معرض موقعیت‌های آزاردهنده و حوادث ناامیدکننده؛ مانند قربانی جنایت بودن، تنبیه بدنی شدن، مورد سوءاستفاده قرار گرفتن یا روابط منازعه‌آمیز با والدین یا همالان (باو، هس و پی، ۲۰۰۴: ۲۸۵). این سه منبع فشار احتمال وقوع احساسات منفی را افزایش می‌دهند و این احساسات منفی نیز فشار نسبت به اعمال بزهکارانه را موجب می‌شود که درواقع، رفتارهای بزهکاران واکنشی علیه این فشارها است (اگنیو، برزینا، کولن و رایت^۶، ۲۰۰۲: ۴۴).

-
1. Carson
 2. Removal of Positively Valued Stimuli
 3. Bao, Haas, & Pi
 4. Belshaw and Rodriguez
 5. Presentation of Negative Stimuli
 6. Brezina, Cullen, & Wright

در این نظریه، خشم نقش کلیدی در واسطه‌گری اثر فشار بر روی بزهکاری، به‌خصوص در جرایم خشونت‌آمیز ایفا می‌کند. این امر به این دلیل است که خشم، سطح احساس آسیب فرد را افزایش می‌دهد و برای تلافی یا انتقام، تمایل ایجاد می‌کند، به فرد برای درگیری نیرو می‌دهد و موانع را کاهش می‌دهد (اگنیو، ۱۹۹۲ به نقل از باو، هس و پی، ۲۰۰۴). از طرف دیگر، نظریه فشار عمومی، راهکارهای تقابلی غیر از جرم (راهکارهای تقابلی شناختی، عاطفی و رفتاری) را که افراد در چهارچوب ابزار قانونی می‌توانند با فشار مقابله کنند، معرفی کرده است (اگنیو، ۱۹۹۲: ۵۱). به عقیده اگنیو زمانی که افراد در زندگی، با فشار مواجه شوند از سه استراتژی شناختی، عاطفی و رفتاری برای رهایی از فشار استفاده می‌کنند. این مکانیسم‌ها صرفاً رفتارهای بزهکارانه را در بر نمی‌گیرد؛ برای مثال، در استراتژی جایگزین شناختی، فردی ممکن است با کوچک‌شمردن و یا بی‌اهمیت‌دانستن فشارها با آنها مبارزه کند. بر اساس دیدگاه اگنیو، مکانیسم جایگزین رفتاری که توسط افراد به کار گرفته می‌شود، ممکن است رفتارهای برنامه‌ریزی شده‌ای برای حفظ کردن و یا به‌دست‌آوردن چیزهای ارزشمند باشد؛ بنابراین، با استفاده از مکانیسم جایگزین رفتاری، افراد ممکن است محرک‌های مثبت را افزایش دهند یا اینکه محرک‌های منفی را حذف کنند. استراتژی جایگزین عاطفی به طور بارزی با احساسات منفی که ناشی از فشار هستند، در ارتباط است. افراد ممکن است مواد و یا الکل مصرف کنند تا احساساتشان را پنهان کنند و یا تمرین‌های جسمانی و تکنیک‌های ایروبیک را برای مقابله با فشارها به کار برند (علی‌وردی نیا و خاکزاد، ۱۳۹۲: ۱۱۱). تحقیق حاضر به دنبال آزمون فرضیه‌های زیر از نظریه فشار عمومی رابرت اگنیو است:

- ۱- بین فشار ناشی از عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت و گرایش به مصرف مشروبات الکلی دختران و پسران رابطه مثبت وجود دارد.
- ۲- بین فشار ناشی از حذف محرک مثبت و گرایش به مصرف مشروبات الکلی دختران و پسران رابطه مثبت وجود دارد.
- ۳- بین فشار ناشی از حضور محرک منفی و گرایش به مصرف مشروبات الکلی دختران و پسران رابطه مثبت وجود دارد.

۴- بین فشار ناشی از وضعیت نامساعد همسایگی و گرایش به مصرف مشروبات الکلی دختران و پسران رابطه مثبت وجود دارد.

۵- بین افسردگی پسران و دختران و گرایش به مصرف مشروبات الکلی آنها رابطه مثبت وجود دارد.

۶- بین خشم پسران و دختران و گرایش به مصرف مشروبات الکلی آنها رابطه مثبت وجود دارد.

۳. روش تحقیق

جمعیت تحقیق حاضر، کلیه دانشجویان دانشگاه مازندران که در سال تحصیلی ۹۲-۹۳ مشغول به تحصیل بوده‌اند، است. در مجموع، ۹۸۱۹ نفر از دانشجویان دانشگاه مازندران به عنوان جامعه آماری انتخاب شدند و برای تعیین حجم نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب استفاده شده است. حجم نمونه برحسب خطای نمونه‌گیری در سطح اطمینان ۹۵ درصد ۴۰۰ نفر در نظر گرفته می‌شود (دواس، ۱۳۸۷: ۷۸). روشی که در این تحقیق برای جمع‌آوری داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت، روش پیمایشی از نوع مقطعی است. در تحقیق پیش رو، تعداد ۴۸۰ پرسشنامه در بین دانشجویان توزیع شد و پس از کنار گذاشتن پرسشنامه‌های مخدوش، در نهایت، ۴۶۷ پرسشنامه مورد توصیف و تحلیل قرار گرفت.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمارهای توصیفی و آمارهای استنباطی (ضریب همبستگی، تحلیل واریانس و آزمون مقایسه میانگین‌ها و رگرسیون چندگانه) استفاده شده است. همچنین، کلیه عملیات اجرایی پردازش داده‌ها با استفاده از بسته نرم‌افزاری علوم اجتماعی (SPSS) به انجام رسیده است.

اعتبار^۱: اعتبار سنجش بر تطابق مفهوم با معرف‌های تجربی سنجش آن بستگی دارد (بیکر، ۱۳۸۶: ۱۳۸). جهت تعیین اعتبار مقیاس‌های تحقیق از روش اعتبار محتوا و برای مقیاس متغیر وابسته از اعتبار سازه استفاده شده است. آزمون‌های تفاوت میانگین نگرش نسبت به مصرف مشروبات الکلی برحسب متغیرهای زمینه‌ای، نشان‌دهنده این است که میانگین گرایش پسران به طور معناداری بیشتر از

دختران است. تحقیقات حکایت از این دارد که جنسیت یکی از همبسته‌های مهم گرایش به مصرف مشروبات الکلی است. نتایج برخی از تحقیقات در خصوص مصرف مشروبات الکلی از جمله آسلین (۲۰۰۹)، ولازکیوز، پولس، لتیمر، و پسک (۲۰۱۲)، علیوردی نیا و خاکزاد (۱۳۹۲) در راستای تحقیق حاضر هستند. از این رو، می‌توان گفت که مقیاس سنجش نگرش دانشجویان نسبت به الکل دارای اعتبار سازه نظری است. در این تحقیق، برای مشخص کردن پایایی از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است.

تعریف عملیاتی متغیرها

عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت: این متغیر مستقل با استفاده از چهار بُعد (هدف شغلی، هدف تحصیلی، هدف عاطفی، فرصت‌های مسدودشده) مورد سنجش قرار خواهد گرفت. مُعرف‌های مربوط به این ابعاد شامل: موفقیت شغلی، موفقیت مالی، موفقیت تحصیلی، برقراری روابط صمیمانه با دیگران، عدم موفقیت شغلی و عدم موفقیت در برقراری روابط صمیمانه است. میزان آلفای متغیر مزبور ۰/۶ است. گویه‌ها نیز با استفاده از تحقیقات پیشین گردآوری شده است (علیوردی نیا و خاکزاد، ۱۳۹۲).

حذف محرک مثبت: به عنوان متغیر مستقل به دو بُعد حذف محرک مثبت مربوط به خانه، حذف محرک مثبت مربوط به دانشگاه، تقسیم شده است. مُعرف‌ها شامل: طلاق، ازدواج مجدد، بیماری، مرگ، بیکاری، اختلاف خانوادگی و خودکشی، رابطه منفی با دوستان، تجربیات منفی است. میزان آلفا برابر با ۰/۵ بوده است. روند شکل‌گیری مُعرف‌ها مبتنی بر تحقیقات پیشین است (علیوردی نیا و خاکزاد، ۱۳۹۲).

حضور محرک منفی: در تحقیق حاضر، به عنوان متغیر مستقل دارای سه بُعد (روابط منفی در خانه، وقایع استرس‌زای زندگی، روابط منفی در دانشگاه) است. مُعرف‌ها عبارت‌اند از: اختلاف با خانواده، نادیده‌گرفته‌شدن از سوی خانواده، تحت‌سلطه‌بودن، تنش، نادیده‌گرفتن شدن استعدادها، مشکلات مالی، آسیب، نادیده‌گرفته‌شدن از سوی اساتید، روابط سرد، قطع رابطه با دوست صمیمی

است. آلفای به دست آمده $0/8$ است. گویه‌های مربوط به این متغیر برگرفته از تحقیقاتی است که قبلاً در این باره صورت گرفته است. (علیوردی نیا و خاکزاد، ۱۳۹۲).

وضعیت نامساعد همسایگی: متغیر وضعیت نامساعد همسایگی به عنوان عاملی فشارزا با مُعرف‌هایی همچون: احساس خوشحالی در همسایگی، رفتار وندالیستی در همسایگی، سرقت در همسایگی، خرید و فروش مواد مخدر در همسایگی سنجش خواهد شد. مقدار آلفا $0/7$ است و مُعرف‌ها نیز برگرفته از تحقیقات پیشین است (علیوردی نیا و خاکزاد، ۱۳۹۲).

حالات عاطفی منفی: حالات عاطفی منفی به عنوان متغیر مستقل با دو بُعد افسردگی با مُعرف‌های احساس بی‌حوصلگی، ناتوانی در حل مشکل، احساساتی‌بودن، احساس بی‌انگیزگی، احساس سستی، احساس ناراحتی، احساس عصبانیت، ناسازگاری با والدین، پنهان‌نکردن عصبانیت است. میزان آلفای بعد افسردگی معادل $0/8$ و بعد خشم $0/7$ به دست آمده است. گویه‌ها نیز بر مبنای تحقیقات پیشینی است که در این زمینه صورت گرفته است (علیوردی نیا و خاکزاد، ۱۳۹۲).

نگرش نسبت به مصرف مشروبات الکلی: متغیر وابسته تحقیق حاضر است. برای عملیاتی‌سازی این مفهوم، مقیاس نگرش نسبت به مصرف الکل علیوردی نیا و هم‌متی (۱۳۹۲) استفاده شد. متغیر نگرش نسبت به مصرف مشروبات الکلی دارای سه بُعد شناختی، عاطفی - رفتاری است و آلفای متغیر وابسته این تحقیق $0/8$ برآورد شد. در جدول (۱) هر یک از مؤلفه‌ها، معرف‌ها و گویه‌های مربوط به ابعاد ذکر شده است.

جدول ۱- فرآیند عملیاتی‌سازی متغیر نگرش نسبت به مصرف مشروبات الکلی

متغیر	بعد	مؤلفه‌ها	معرف	گویه
نگرش نسبت به مصرف مشروبات الکلی	شناختی	مصرف الکل	هدر دادن سرمایه	افرادی که بابت خرید مشروبات الکلی پول می‌دهند، سرمایه خود را دور می‌ریزند.
			خطر مصرف الکل	مصرف مشروبات الکلی زیان‌آور است.
			از دست دادن کنترل رفتاری	خطر ناشی از مصرف مشروبات الکلی به لذت نمی‌آورد.
				اگر فرد ظرفیت داشته باشد، مصرف مشروبات الکلی چندان هم بد نیست. اگر فرد بتواند خود را کنترل کند، مصرف مشروبات الکلی مشکلی ندارد.
	عاطفی	صدمه به افراد و ایجاد بیماری	افرادی که به مدت طولانی مشروبات الکلی مصرف می‌کنند، دچار ضعف و بیماری خواهند شد.	

مصرف مشروبات الکلی به لحاظ سلامتی، مشکلی برای فرد ایجاد نمی کند			
مشروبات الکلی با خود نوعی اعتیاد می آورند که رهایی از آن بسیار سخت است.	اعتیادآور بودن الکل		
می توان مشروبات الکلی مصرف کرد؛ اما به آن معتاد نشد.			
مصرف مشروبات الکلی هیجان انگیز است.	هیجان انگیزی	ایجاد حالات عاطفی مثبت	عاطفی
مصرف مشروبات الکلی باعث می شود که فرد احساس شادی بیشتری کند.	افزایش شادی		
مصرف مشروبات الکلی بسیار لذت بخش است.	لذت بخش بودن		
وقتی فردی مشروبات الکلی مصرف کند، می خواهد ثابت کند که شخصیتش بالغ شده است.	احساس بلوغ		
مصرف مشروبات الکلی می تواند خشم فرد را کاهش دهد.	کاهش خشم و ناراحتی	کاهش حالات عاطفی منفی	عاطفی
مصرف مشروبات الکلی باعث می شود فرد ناراحتی اش را از یاد ببرد.	کاهش غم و غصه		
مصرف مشروبات الکلی راهی خوب برای کم کردن فشارهای روانی است.	کاهش فشار روانی		
با نوشیدن زیاد مشروبات الکلی مشکلی ندارم.	احساس منفی نسبت به مصرف شروبات	علاقه مندی و علاقه گری	عاطفی
به طور کلی از افرادی که مشروبات الکلی مصرف می کنند، خوشم می آید.	دوس داشتن مصرف کنندگان الکل		
از دوستی و رفت و آمد با مصرف کنندگان مشروبات الکلی لذت می برم.	معاشرت با فرد الکی	ارتباط با افراد مصرف کننده مشروبات الکل	رفتاری
حاضرم در لزوم با فردی که مشروبات الکلی مصرف می کند، هم اتاقی شوم.	هم اتاقی بودن با فرد الکی		
حاضرم با فردی که مشروبات الکلی مصرف می کند به مسافرت بروم.	مسافرت رفتن با فرد الکی		
اگر بخواهم چیزی بخرم یا بفروشم دوست ندارم فروشنده یا خریدار مصرف کننده مشروبات الکلی باشد.	معامل کردن با فرد الکی		
دوست ندارم با کسی ازدواج کنم که مصرف کننده مشروبات الکلی باشد.	ازدواج کردن با فرد الکی		
اگر در منزل تنها باشم، ممکن است مشروبات الکلی مصرف کنم.	مصرف الکل در تنهایی	آمادگی برای مصرف الکل	رفتاری
حاضرم با دوستانم مشروبات الکلی صرف کنیم.	مصرف الکل با دوستان		
در مهمانی ها و جشن هایی مانند پارتی ها و عروسی ها که دیگران مشروبات الکلی می نوشند، من هم حاضرم با آنها آن را صرف کنم.	مصرف الکل در جشن و مراسم		
اگر فرصتش فراهم شود، در خوابگاه دانشجویی یا خانه با دوستانم مشروبات الکلی مصرف می کنم.	مصرف الکل در خوابگاه		

۴. یافته ها

۴.۱. یافته های توصیفی

مطابق با آمار توصیفی در تحقیق حاضر، ۶۶/۲ درصد از پاسخگویان دختر و ۳۳/۸ درصد از

پاسخگویان پسر هستند. دامنه سنی پاسخگویان ۱۸-۳۷ سال است. در میان پاسخگویان، افراد گروه سنی ۱۸-۲۲ سال با ۶۸/۷ درصد، بیشترین تعداد پاسخگویان و پاسخگویان گروه سنی ۳۳-۳۷ سال با ۰/۲ درصد، کمترین تعداد را دارند. ۸۵/۷ درصد از پاسخگویان مجرد و ۱۳/۶ درصد متأهل هستند. مقطع تحصیلی کارشناسی با ۷۷/۴ درصد، بیشترین و پاسخگویان مقطع دکتری با ۱/۷ درصد کمترین فراوانی را به خود اختصاص دادند. بیشتر پاسخگویان در طبقه متوسط قرار دارند. سپس طبقه‌ای که بیشتر پاسخگویان (۲۹/۶ درصد) در آن جای گرفتند، طبقه متوسط رو به پایین است. سومین طبقه‌ای که بیشتر پاسخگویان (۱۴/۳ درصد) خود را به آن متعلق می‌دانستند، طبقه متوسط رو به بالا است. چهارمین طبقه‌ای که پاسخگویان در آن قرار داشتند، طبقه بالا با ۳/۳ درصد بوده است. تعداد اندکی از پاسخگویان (۰/۹ درصد) در طبقه پایین قرار داشتند.

در خصوص توزیع پاسخگویان تحقیق بر حسب ابعاد سه‌گانه (شناختی، عاطفی و رفتاری)، نتایج مربوط به نگرش شناختی نسبت به مصرف الکل بر حسب جنسیت نشان‌دهنده این است که ۸۲/۹ درصد از دختران و ۷۸/۳ درصد از پسران نگرش خنثی، ۱۴/۶ درصد از دختران و ۱۸/۲ درصد از پسران نگرش مثبت و ۲/۴ درصد از دختران و ۳/۵ درصد از پسران نگرشی منفی نسبت به مصرف الکل از خود نشان داده‌اند.

در خصوص بُعد عاطفی، مطابق با جنسیت، ۵۶/۸ درصد از دختران و ۶۰/۷ درصد از پسران دارای نگرش خنثی در این بعد بوده‌اند. در مقابل، تنها ۶/۲ درصد از پاسخگویان (۱۴/۵ درصد از پسران و ۲ درصد از دختران) نگرشی مثبت نسبت به بعد عاطفی مصرف الکل داشته‌اند. همچنین، ۳۵/۸ درصد از پاسخگویان (۴۱/۲ درصد از دختران و ۲۴/۸ درصد از پسران) دارای نگرشی منفی نسبت به بعد عاطفی مصرف الکل بوده‌اند.

در بُعد رفتاری نیز، ۷۵/۲ درصد را دختران و ۴۵/۷ درصد را پسران تشکیل داده‌اند. در مقابل، تنها ۴/۲ درصد از پاسخگویان (۹/۹ درصد از پسران و ۱/۳ درصد از دختران) دارای نگرش مثبتی نسبت به بعد رفتاری مصرف الکل بوده‌اند. همچنین، ۳۰/۵ درصد از دانشجویان نگرشی خنثی نسبت به بعد رفتاری مصرف الکل از خود نشان داده‌اند (۴۴/۴ درصد از پسران و ۲۳/۵ درصد از دختران).

در مجموع، ۳۰/۵ درصد از پاسخگویان پسر و ۵۴/۵ درصد از پاسخگویان دختر، نسبت به مصرف مشروبات الکلی نگرش منفی دارند. ۶۳/۳ درصد از پسران و ۴۵/۱ درصد از دختران نگرش خشی و ۶۲ درصد از پسران و ۰/۴ درصد از دختران نگرش مثبتی نسبت مصرف مشروبات الکلی اعلام کرده‌اند. به طور کل، نسبت به مصرف مشروبات الکلی در بین دانشجویان این پژوهش نگرشی خشی وجود دارد.

۴. یافته‌های تبیینی

آزمون تفاوت میانگین‌ها

جدول ۲- آزمون تفاوت میانگین‌های متغیر نگرش به مصرف مشروبات الکلی و حالات

عاطفی بر حسب جنس

متغیر	مقوله	میانگین نگرش به مصرف مشروبات الکلی		میانگین احساس خشم		میانگین افسردگی		میانگین حالات عاطفی منفی	
		t-test	میانگین	t-test	میانگین	t-test	میانگین	t-test	میانگین
جنسیت	پسر		۷۹/۳۱		۱۲/۹۵		۲۳/۵۴		۳۷/۴۵
	دختر		۷۰/۸۶		۱۲/۵۰		۲۴/۸۹		۳۷/۳۶
		P=۰/۰۰۰		P=۰/۳۰۹		P=۰/۰۹۷		P=۰/۴۳۱	

بر اساس جدول (۲) بین میانگین نگرش نسبت به مصرف مشروبات الکلی در پسران و دختران، تفاوت معناداری در سطح (۰/۰۰۰) وجود دارد. در نتیجه، فرضیه مبتنی بر تفاوت معنادار میزان گرایش به مصرف مشروبات الکلی در دختران و پسران تأیید می‌شود. با توجه به اعداد واقع در جدول فوق بین میانگین خشم و افسردگی پسران و دختران تفاوت معناداری مشاهده نشده است. بنابراین، در-مجموع، بین دختران و پسران از لحاظ حالات عاطفی منفی (خشم و افسردگی) تفاوت معناداری وجود ندارد.

• تحلیل رگرسیونی برای تبیین متغیر وابسته (نگرش نسبت به مصرف مشروبات الکلی)

در پژوهش حاضر با استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه، تأثیر متغیرهای مستقل (فشار) بر نگرش نسبت به مصرف مشروبات الکلی و ابعاد آن با استفاده از روش جبری بررسی شده است.

جدول ۳- ضرایب تأثیر مدل تبیین کننده نگرش نسبت به مصرف الکل

متغیرها	B	(β)	T	Sig	همبستگی				آمار هم خطی
					مرتبه صفر	تفکیکی	نیمه تفکیکی	تورم واریانس	
دست‌نیافتن به اهداف ارزشمند مثبت	۰/۱۵۵	۰/۰۶۸	۱/۲۶۷	۰/۲۰۶	۰/۱۵۰	۰/۰۶۹	۰/۰۶۵	۰/۹۱۶	۱/۰۹۲
حذف محرک مثبت	۰/۱۸۰	۰/۰۲۲	۰/۳۶۷	۰/۸۰۶	۰/۱۴۶	۰/۰۲۱	۰/۰۱۹	۰/۸۱۵	۱/۲۲۶
حضور محرک منفی	۰/۴۰۲	۰/۲۶۱	۳/۸۳۱	۰/۰۰۰	۰/۳۱۴	۰/۲۰۱	۰/۱۹۲	۰/۵۴۵	۱/۸۳۶
وضعیت نامساعد همسایگی	-۰/۱۰۰	-۰/۰۲۵	-۰/۴۳۷	۰/۶۶۲	۰/۱۱۵	-۰/۰۲۴	-۰/۰۳۲	۰/۸۱۶	۱/۲۲۶
افسردگی	-۰/۰۷۰	-۰/۰۴۱	-۰/۶۱۳	۰/۵۴۰	۰/۱۸۲	-۰/۰۳۴	-۰/۰۳۲	۰/۵۸۵	۱/۷۱۰
خشم	۰/۳۹۶	۰/۱۳۰	۱/۹۶۶	۰/۰۵۰	۰/۲۴۱	۰/۱۰۷	۰/۱۰۱	۰/۶۱۲	۱/۶۳۵
Sig=۰/۰۰۰ F=۷/۲۷۷ R ² =۰/۱۱۶ R=۰/۳۴۱									

بر اساس یافته‌های جدول بالا ضریب همبستگی چندگانه (R) معادل ۳۴ درصد محاسبه شده است که بیانگر این مطلب است که شش متغیر دست‌نیافتن به اهداف ارزشمند مثبت، حذف محرک مثبت، حضور محرک منفی، وضعیت نامساعد همسایگی، افسردگی و خشم به طور همزمان، ۳۴ درصد با نگرش نسبت به مصرف الکل همبستگی و ارتباط دارد. ضریب تعیین (R) در میان پاسخگویان، ۰/۱۱ است. این امر بیانگر این است که شش متغیر وارده در مجموع، ۱۱ درصد از تغییرات نگرش به مصرف الکل دانشجویان اعم از دختر و پسر را تبیین می‌کنند. یافته‌های این جدول گویای این مطلب است که مهم‌ترین متغیرهای پیش‌بین‌گریش به مصرف الکل در میان دانشجویان متغیر حضور محرک منفی با ضریب تأثیر استاندارد معادل ۰/۲۶۱ و متغیر خشم با ضریب تأثیر استاندارد ۰/۱۳۰ هستند و چهار متغیر دیگر معنادار نیستند.

جدول ۴- ضرایب تأثیر مدل تبیین کننده بعد شناختی (مدل اول)

متغیر وابسته: نگرش به مصرف مشروبات الکلی												
مدل اول: بعد شناختی												
جنسیت متغیر	کل				دختر				پسر			
	Sig	T	β	B	Sig	T	β	B	Sig	T	β	B
دست‌نیافتن به اهداف ارزشمند	۰/۰۰۱	۳/۲۰۲	۰/۱۷۳	۰/۱۱۴	۰/۰۲۲	۲/۳۰۶	۰/۱۵۶	۰/۱۰۳	۰/۰۳۱	۲/۱۷۹	۰/۲۰۰	۰/۱۳۴
حذف محرک مثبت	۰/۹۴۴	۰/۰۷۰	۰/۰۰۴	۰/۰۱۰	۰/۵۷۱	۰/۵۶۸	۰/۰۴۲	۰/۱۱۱	۰/۵۹۳	۰/۵۳۶	۰/۰۵۱	۰/۱۱۷
حضور محرک منفی	۰/۸۳۸	۰/۲۰۵	۰/۰۱۵	۰/۰۰۷	۰/۶۸۳	۰/۴۰۹	۰/۰۳۷	۰/۰۱۶	۰/۸۷۲	۰/۱۶۲	۰/۰۱۹	۰/۰۱۰
وضعیت نامساعد همسایگی	۰/۸۶۷	۰/۱۶۷	۰/۰۱۰	۰/۰۱۱	۰/۷۲۳	۰/۳۵۵	۰/۰۲۵	۰/۰۲۸	۰/۸۷۱	۰/۲۹۲	۰/۰۳۰	۰/۰۴۰
افسردگی	۰/۵۱۷	۰/۶۴۸	۰/۰۴۴	۰/۰۲۲	۰/۹۲۷	۰/۰۹۲	۰/۰۰۹	۰/۰۰۴	۰/۳۸۲	۰/۸۷۷	۰/۰۹۶	۰/۰۵۴
خشم	۰/۴۰۲	۰/۸۳۹	۰/۰۵۷	۰/۰۵۲	۰/۸۰۹	۰/۲۴۲	۰/۰۲۲	۰/۰۱۹	۰/۴۴۵	۰/۷۶۶	۰/۰۸۱	۰/۰۷۹
$R=۰/۱۸۷$, $R^2=۰/۰۳۵$ $F=۲/۱۸۶$, $Sig=۰/۰۴۴$				$R=۰/۱۷۲$, $R^2=۰/۰۳۰$ $F= ۱/۱۹۸$, $Sig= ۰/۳۰۸$				$R=۰/۲۲۷$, $R^2=۰/۰۵۲$ $F= ۱/۰۷۷$, $Sig= ۰/۳۸۰$				

در جدول فوق، از میان متغیرهای مستقل، مهم‌ترین متغیر تبیین کننده نگرش شناختی نسبت به مصرف الکل در پسران، متغیر نرسیدن به اهداف ارزشمند مثبت با ضریب تأثیر استاندارد رگرسیونی معادل ۰/۲۰ متغیر تبیین کننده نوع شناختی نگرش نسبت به مصرف الکل پسران در مدل اول است. سایر متغیرها اثر معناداری بر نگرش شناختی پسران نسبت به مصرف الکل نداشته‌اند. در بین دختران نیز متغیر دست‌نیافتن به اهداف ارزشمند مثبت با داشتن ضریب تأثیر استاندارد رگرسیونی معادل ۰/۱۵۶ مهم‌ترین متغیر تبیین کننده نگرش شناختی نسبت به مصرف الکل است. سایر متغیرها اثر معناداری بر نگرش شناختی دختران نسبت به مصرف الکل نداشته‌اند.

جدول ۵- ضرایب تأثیر مدل تبیین کننده بعد عاطفی (مدل دوم)

متغیر وابسته: نگرش به مصرف مشروبات الکلی												
مدل دوم: بعد عاطفی												
کل				دختر				پسر				جنسیت متغیر
Sig	T	β	B	Sig	T	β	B	Sig	T	β	B	
۰/۱۹۴	۱/۳۰۰	۰/۰۶۷	۰/۰۷۸	۰/۳۳۱	۱/۲۰۲	۰/۰۷۸	۰/۰۸۸	۰/۶۰۴	۰/۵۲۱	۰/۰۴۶	۰/۰۵۱	دست‌یافتن به هدف ارزشمند
۰/۲۲۶	۱/۲۱۴	۰/۰۶۷	۰/۲۹۱	۰/۶۴۲	۰/۴۶۵	۰/۰۳۳	۰/۱۴۷	۰/۶۱۴	۰/۵۰۶	۰/۰۴۷	۰/۱۸۱	حذف محرک مثبت
۰/۰۰۶	۲/۷۶۸	۰/۱۹۰	۰/۱۵۱	۰/۰۹۰	۱/۷۰۳	۰/۱۴۶	۰/۱۰۷	۰/۳۷۰	۰/۹۰۰	۰/۱۰۶	۰/۰۹۱	حضور محرک منفی
۰/۸۷۷	-۱/۱۵۴	-۰/۰۰۹	-۰/۰۱۸	۰/۳۳۳	-۰/۹۷۰	-۰/۰۶۶	-۰/۱۲۵	۰/۸۰۷	۰/۲۴۴	۰/۰۲۴	۰/۰۵۲	وضعیت ناساعد همسایگی
۰/۷۷۸	۰/۲۸۲	۰/۰۱۹	۰/۰۱۶	۰/۰۲۱	۲/۳۲۱	۰/۲۱۱	۰/۱۶۵	۰/۷۵۱	-۰/۳۱۸	-۰/۰۳۴	-۰/۰۳۲	افسردگی
۰/۱۶۲	۱/۴۰۱	۰/۰۹۱	۰/۱۴۳	۰/۶۸۶	-۰/۴۰۵	-۰/۰۳۵	-۰/۰۵۱	۰/۰۵۸	۱/۹۱۸	۰/۱۹۸	۰/۳۱۴	خشم
$R=۰/۳۲۱$, $R^2=۰/۰۹۷$ $F=۶/۵۵۴$, $Sig=۰/۰۰۰$				$R=۰/۳۳۳$, $R^2=۰/۱۰۴$ $F=۴/۵۹۰$, $Sig=۰/۰۰۰$				$R=۰/۲۷۶$, $R^2=۰/۰۳۱$ $F=۱/۶۷۸$, $Sig=۰/۱۳۲$				

در جدول فوق، شش متغیر نظریه فشار ۳ درصد از میزان تغییرات شناختی نگرش نسبت به مصرف الکل پسران و ۱۰ درصد از میزان تغییرات عاطفی نگرش نسبت به مصرف الکل دختران را تبیین می‌کنند. از میان متغیرهای مستقل، هیچ کدام از متغیرها تبیین کننده نگرش عاطفی پسران نسبت به مصرف الکل نیستند. مهم‌ترین متغیر تبیین کننده نگرش عاطفی نسبت به مصرف الکل در دختران، متغیر افسردگی با داشتن ضریب تأثیر استاندارد رگرسیونی معادل ۰/۲۱۱ است. سایر متغیرها اثر معناداری بر نگرش عاطفی دختران نسبت به مصرف الکل نداشته‌اند.

جدول ۶- ضرایب تأثیر مدل تبیین کننده بعد رفتاری (مدل سوم)

متغیر وابسته: نگرش به مصرف مشروبات الکلی												
مدل سوم: بعد رفتاری												
کل				دختر				پسر				جنسیت متغیر
Sig	T	β	B	Sig	T	β	B	Sig	T	β	B	
۰/۹۹۸	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۴۸	-۱/۹۸۶	-۰/۱۳۰	-۰/۱۱۸	۰/۱۶۷	۱/۳۹۰	۰/۱۲۰	۰/۱۴۲	دست‌یافتن به هدف ارزشمند
۰/۵۱۲	۰/۶۵۶	۰/۰۳۶	۰/۱۴۲	۰/۸۸۳	-۱/۱۴۸	-۰/۰۱۰	-۰/۰۳۷	۰/۸۰۹	۰/۲۴۲	۰/۰۲۲	۰/۰۸۷	حذف محرک مثبت
۰/۰۰۰	۳/۸۲۸	۰/۲۵۷	۰/۱۸۹	۰/۰۰۱	۳/۳۵۴	۰/۲۸۳	۰/۱۶۷	۰/۲۱۷	۱/۲۴۱	۰/۱۴۲	۰/۱۲۴	حضور محرک منفی
۰/۶۶۸	۰/۲۹۵	۰/۰۱۶	۰/۰۳۰	۰/۸۰۹	-۰/۲۴۲	-۰/۰۱۶	-۰/۰۲۵	۰/۹۹۶	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	وضعیت ناساعد همسایگی
۰/۴۱۵	-۰/۸۱۶	-۰/۰۵۳	-۰/۰۴۳	۰/۴۷۷	۰/۷۱۲	۰/۰۶۳	۰/۰۴۰	۰/۸۶۱	۰/۱۶۶	۰/۰۱۸	۰/۰۱۸	افسردگی
۰/۰۶۸	۱/۸۳۲	۰/۱۱۶	۰/۱۶۸	۰/۶۱۸	۰/۵۰۰	۰/۰۴۳	۰/۰۵۰	۰/۱۱۶	۱/۵۸۲	۰/۱۵۹	۰/۳۶۳	خشم
$R=۰/۳۲۲$, $R^2=۰/۱۰۳$ $F=۷/۱۱۳$, $Sig=۰/۰۰۰$				$R=۰/۳۲۲$, $R^2=۰/۱۰۴$ $F=۴/۵۹۰$, $Sig=۰/۰۰۰$				$R=۰/۳۱۵$, $R^2=۰/۰۹۹$ $F=۲/۲۹۳$, $Sig=۰/۰۳۹$				

در این جدول، هیچ‌کدام از متغیرها تبیین‌کننده نگرش رفتاری نسبت به مصرف الکل در پسران نیستند؛ اما مهم‌ترین متغیر تبیین‌کننده نگرش رفتاری نسبت به مصرف الکل در دختران متغیر حضور محرک منفی با ضریب تأثیر استاندارد رگرسیونی معادل ۰/۲۸۳ است. متغیر دست‌نیافتن به اهداف ارزشمند مثبت با ضریب تأثیر استاندارد رگرسیونی معادل ۰/۱۳۰- با داشتن جهت منفی و ناهمخوانی با فرضیه تحقیق رد شده است. سایر متغیرها اثر معناداری بر نگرش رفتاری دختران نسبت به مصرف الکل نداشته‌اند.

۵. نتیجه‌گیری

بحث اصلی در نظریه فشار این است که فشارهای نشأت‌گرفته از منابع فشار که عبارت‌اند از: دست‌نیافتن به اهداف ارزشمند مثبت، حذف محرک مثبت و حضور محرک منفی منجر به شکل-گیری احساسات منفی می‌شود و افراد در تلاش برای رهایی از این احساسات منفی ممکن است در فعالیت‌های غیرقانونی همچون بزهکاری، خلافکاری و یا مصرف مواد درگیر شوند (اسلوکم، ۲۰۱۰: ۲۰۶-۲۰۵). در تحقیق پیش رو، آزمون‌های تفاوت میانگین نگرش نسبت به مصرف مشروبات الکلی برحسب متغیرهای زمینه‌ای نشان‌دهنده این است که میانگین گرایش پسران به طرز معناداری بیشتر از دختران است. تحقیقات حکایت از این دارد که جنسیت یکی از همبسته‌های مهم گرایش به مصرف مشروبات الکلی است. نتایج برخی از تحقیقات اشاره‌شده در پیشینه در راستای تحقیق حاضر هستند. نظریه فشار عمومی می‌تواند تفاوت جنسیتی در ارتکاب جرم را به سه شکل تبیین کند:

۱- مردان نسبت به زنان انواع متفاوتی از فشار را تجربه می‌کنند و این نوع از فشارها آنها را بیشتر به سمت جرم سوق دهد. فشار در بین مردان آنها را به سمت جرایم جدی و جرایم مالی می‌کشاند. فشار در بین زنان، آنها را به سمت خشونت خانگی، فرار از شرایط بفرنج و یا اشکالی از خودتخریبی مثل مصرف مواد می‌کشاند. ۲- اگرچه هم مردان و هم زنان در واکنش به فشار، خشم را تجربه می‌کنند؛ اما خشم زنان بیشتر با افسردگی، احساس گناه، اضطراب و غیره همراه است. یک چنین حالت-هایی احتمال پرخاشگری و یا جرایم جدی را کاهش می‌دهد و احتمال وقوع رفتارهای آسیب‌رساننده

به خود را بالا می‌برد. ۳- مردان بیشتر تمایل دارند تا به فشارها با ارتکاب جرایم مادی و خشونت‌آمیز پاسخ دهند؛ زیرا در میزان حمایت اجتماعی، فرصت‌ها و کنترل اجتماعی با زنان تفاوت دارند و معمولاً در جرم درگیر می‌شوند (اگنو و برویدی، ۱۹۹۷: ۲۸۷).

بر پایه مطالعات انجام گرفته و چهارچوب نظری مذکور شش فرضیه در این پژوهش ارایه شد، به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق، متغیر نگرش نسبت به مصرف مشروبات الکلی به عنوان متغیر وابسته در رابطه با متغیرهای مستقل (متغیرهای دست‌نیافتن به اهداف ارزشمند مثبت، حذف محرک مثبت، حضور محرک منفی، وضعیت نامساعد همسایگی، افسردگی، خشم) قرار گرفت. از این‌رو، با توجه به نتایج بررسی جداول رگرسیونی، تبیین نظری یافته‌های تحقیق به شرح ذیل است:

از میان شش فرضیه مطرح شده، فرضیه شماره سه که دلالت بر این داشت که میان فشار ناشی از حضور محرک منفی و گرایش به مصرف مشروبات الکلی دختران و پسران رابطه مثبت وجود دارد، تأیید شد؛ به عبارت دیگر، به موازات افزایش محرک‌های منفی برای فرد، میزان گرایش فرد به مصرف مشروبات الکلی افزایش می‌یابد. مطابق نظریه اگنیو، یکی از منابع فشار ارایه شده در نظریه فشار عمومی، وجود محرک مضر است و افرادی که در زندگی خود با محرک‌های منفی مواجه شوند، بیشتر از بقیه برای رهایی از فشار این محرک‌ها به سمت رفتارهای بزهکارانه گرایش پیدا خواهند کرد (باو، هس، و پی، ۲۰۰۴)

فرضیه شماره شش مبنی بر اینکه بین خشم پسران و دختران و گرایش به مصرف مشروبات الکلی آنها رابطه مثبت وجود دارد نیز مورد تأیید قرار گرفت. سایر فرضیه‌ها تأیید نشدند. در رابطه با متغیر خشم نیز باید گفت، نکته اصلی نظریه فشار عمومی این است که فشار منجر به بروز احساسات منفی می‌شود. برخی از افراد برای اینکه از عهده فشارهای موجود برآیند، سعی می‌کنند تا اثر این احساسات را از طریق ارتکاب جرم یا رفتارهای انحرافی کاهش دهند (آردوان، ۲۰۰۹: ۵۸-۵۷).

از میان متغیرهای مستقل مستخرج از نظریه فشار عمومی اگنیو، به موازات افزایش خشم، گرایش نسبت به مصرف مشروبات الکلی در پسران افزایش می‌یابد، در حالی که در میان دختران به موازات افزایش حضور محرک منفی، گرایش نسبت به مصرف مشروبات الکلی افزایش می‌یابد. بنابراین،

می‌توان نتیجه گرفت که خشم در پسران و وجود محرک منفی در دختران می‌تواند منجر به گرایش نسبت به مصرف مشروبات الکلی شود. این در حالی است که در تحقیق علی‌رودی نیا و خاکزاد (۱۳۹۲) مهم‌ترین متغیر تبیین‌کننده مصرف مواد و الکل در پسران متغیر تعاملی (خشم و افسردگی) و حذف محرک مثبت بوده است.

از میان متغیرهای مستقل، مهم‌ترین متغیر تبیین‌کننده نگرش شناختی نسبت به مصرف الکل در پسران متغیر دست‌نیافتن به اهداف ارزشمند مثبت است. در میان دختران نیز متغیر دست‌نیافتن به اهداف ارزشمند مثبت مهم‌ترین متغیر تبیین‌کننده نگرش شناختی نسبت به مصرف الکل است. «اگنیو به این امر توجه داشت که جوانان بیشتر خواهان به دست آوردن اهداف کوتاه‌مدتی؛ مانند: موفقیت درسی، مهارت و شهرت هستند و بنابراین، فشار از دید وی به عنوان گسست بین آرمان‌ها و دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت نسبت به اهداف بلندمدت است. افرادی که قادر نباشند تا به این اهداف دست یابند، خشم و افسردگی در آنها شکل می‌گیرد و درنهایت، منجر به بزهکاری خواهد شد» (کارسن، ۲۰۰۷: ۱۰).

در بعد عاطفی، از میان متغیرهای مستقل، هیچ‌کدام از متغیرها تبیین‌کننده نگرش عاطفی پسران نسبت به مصرف الکل نبودند، در حالی که مهم‌ترین متغیر تبیین‌کننده نگرش عاطفی نسبت به مصرف الکل در دختران متغیر افسردگی بود «طبق دیدگاه اگنیو و برویدی، تفاوت در تجربه خشم، در راستای جنسیت به درک تفاوت جنسیتی در بزهکاری کمک می‌کند. به‌خصوص، براساس این نظریه، افسردگی اثر خشم را بر بزهکاری متعادل می‌سازد. خشم زنان نوعاً با افسردگی همراه است. بنابراین، زنان کمتر از مردان بر اساس خشم خود با بزهکاری واکنش نشان می‌دهند» (کاستر و زیتو، ۲۰۱۰: ۲۲۸). در مدل سوم نیز هیچ‌کدام از متغیرها تبیین‌کننده نگرش رفتاری نسبت به مصرف الکل در پسران نبودند؛ اما در رابطه با پاسخگویان دختر از میان متغیرهای مستقل، مهم‌ترین متغیر تبیین‌کننده نگرش رفتاری نسبت به مصرف الکل در دختران متغیر حضور محرک منفی بود.

طبق نظریه فشار عمومی، سومین نوع فشار، وجود محرک‌های منفی است. زنان اغلب در معرض انواع گوناگونی از سوءاستفاده به وسیله اعضای خانواده و دیگران؛ مثل سوءاستفاده عاطفی، جسمی و

جنسی قرار دارند؛ علاوه بر این اشکال بارز قربانی شدن، زنان در معرض بسیاری از رفتارهای منفی نیز هستند. گزارش‌های زیادی، بر محرک‌های منفی‌ای که با نقش خانه‌داری در ارتباط است، تأکید کردند. بسیاری از زنان این نقش‌ها را کسل‌کننده، تحقیرآمیز، دشوار و محدودکننده تلقی می‌کنند. زندگی خانوادگی برای زنان استرس‌آورتر است. البته درصد بالایی از زنان طی سال‌های اخیر با کار اجباری مواجه شدند که در اینجا نیز آنها با مجموعه‌ای از فشارها روبه‌رو هستند. آنها با تبعیض در محل کار روبه‌رو می‌شوند. شغل آنها نیز یک سری از وظایف ساده و تکراری و بدون اقتدار و آزادی عمل و تحرک کم را در بر می‌گیرد. مهارت‌ها و استعداد آنها بلا استفاده می‌ماند. درون خانه نیز این امر اتفاق می‌افتد و زنان از لحاظ جنسی نیز مورد آزار قرار دارند. مطابق با انتظار، زنانی که فشارهای بیشتری بر آنها تحمیل می‌شود، انگیزه بیشتری برای ارتکاب جرم دارند. داده‌های محدودی این ارزیابی را تأیید می‌کنند. محققان اظهار می‌کنند که ارتباط زیادی بین قربانی شدن زنان و جرم آنها وجود دارد. اگرچه داده‌ها نشان می‌دهند که درآمد کم در بسیاری از زنان موجب این می‌شود تا بسیاری از فشارها را تحمل کنند و بنابراین بسیاری از این زنان تمایل به ارتکاب جرم دارند.

کتاب‌نامه

۱. اسمیت، ا؛ مکی، د. (۱۳۹۲). *روان‌شناسی اجتماعی*. (ا. اسدی، ط. باغانی، م. حلی ساز، م. سپاه منصور، م. ساعدی، م. فراهانی و ز. سادات لاریجانی، مترجمان). چاپ اول، تهران: وانیلا.
۲. بیکر، ترزال. (۱۳۸۶). *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*. (ه. نایی). چاپ دوم. تهران: نشر نی.
۳. پاشا شریقی، ح. (۱۳۸۹). *اصول روان‌سنجی و روان‌آزمایی*. چاپ نهم. تهران: انتشارات رشد.
۴. دواس، دی. ای. (۱۳۸۷). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*. (ه. نایی، مترجم). چاپ دهم. تهران: نشر نی.
۵. خانی مقدم، ر؛ شجاعی‌زاده، ح؛ جعفری، د؛ خاکی، ن. (۱۳۹۰). بررسی فراوانی و علل گرایش به مصرف قلیان، سیگار و الکل در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران. *نخستین کنگره بین‌المللی و چهارمین کنگره ملی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت*. ۲۶ الی ۲۹ اردیبهشت ماه. ایران- تبریز.
۶. سراج زاده، ح؛ فیضی، ا. (۱۳۸۶). *عوامل اجتماعی مؤثر بر مصرف تریاک و مشروبات الکلی در بین دانشجویان*. *نامه علوم اجتماعی*. دوره جدید. شماره پیاپی ۳۱. صص ۱۰۲-۸۱.

۷. علیوردی نیا، ا؛ ریاحی، م.؛ موسوی، ج. م. (۱۳۸۶). مطالعه جامعه‌شناختی بزهکاری: آزمون تجربی نظریه فشار عمومی آگنو. *مجله جامعه‌شناسی ایران*. ۲ (۸). صص ۸۳-۱۱۱
۸. علیوردی نیا، ا.؛ همتی، ا. (۱۳۹۱). تحلیل اجتماعی گرایش به مصرف مشروبات الکلی در میان دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. *راهبرد اجتماعی و فرهنگی*. (۷). صص ۱۰۲-۷۷.
۹. علیوردی نیا، ا؛ خاکزاد، ز. (۱۳۹۲). تبیین تفاوت‌های جنسیتی در رفتارهای انحرافی بر اساس نظریه فشار عمومی. *مجله جامعه‌شناسی ایران*. ۱۴ (۴). صص ۹۱-۱۳۷.
۱۰. کاوسیان، ج؛ شیخ‌فینی، ع؛ حاتمی، م؛ مردانی، ح. (۱۳۹۱). بررسی عوامل حفاظت‌کننده و خطرزای مصرف مواد (تریاک، مشروبات الکلی، سیگار و قلیان) در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی بندرعباس. *فصل‌نامه علمی پژوهشی دانش انتظامی*. ۱۳ (۵۳). صص ۲۰۸-۱۸۱.
11. Agnew, R. (1992). Foundation for a general strain theory of crime and delinquency. *Journal of Criminology*, 30(1), 47-87.
12. Agnew, R., Brezina, T., Wright, P., & Cullen, J. (2002). Strain, personality traits, and delinquency: Extending general strain theory. *Journal of Criminology*, 40, 43-71.
13. Anne Francis, K. (2007). Gender differences in delinquency and health risk behaviors: A test of general strain theory (Unpublished doctoral dissertation). The University of Texas, USA.
14. Ardwan Menses, R. (2009). A cross-cultural test of social learning, self-control, social bonding, and general strain theories of crime and deviance. (Unpublished master's thesis). American University of Washington, USA.
15. Asselin, N. (2009). Using general strain theory to understand drug and alcohol use in Canada: An examination of how strain, its conditioning variables, and gender are interrelated (Unpublished master's thesis). Queen's University Kingston, Canada.
16. Bao, W., Haas, A., & Pi, Y. (2004). Life strain, negative emotions, and delinquency: An empirical test of general strain theory for the people in the Republic of China. *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, 48(3), 281-297.
17. Belshaw, S., & Rodriguez, J. (2010). General strain theory: A comparative analysis of Latin and white youth. *The Southwest Journal of Criminal Justice*, 7(2), 138-158.

18. Brezina, T., Piquero, A., & Mazerolle, P. (2001). Student, anger and aggressive behavior in school: An initial test of a new macro- level strain theory. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 38(4), 362-386.
19. Broidy, L., & Agnew, R. (1997). Gender and crime: A general strain theory perspective. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 3(43), 275-306.
20. Carson, C. (2007). *Using agnew's general strain theory to explain the relationship between early victimization and deviant behavior* (Unpublished master's thesis). University of South Florida, USA.
21. Coster, S., & Cornell Zito, R. (2010). Experiences and expressions gender and general strain theory: The gendering of emotional. *Journal of Contemporary Criminal Justice*, 26(2), 224-245.
22. Froggio, G., Zamaro, N., & Lori, M. (2009). Exploring the relationship between strain and some neutralization techniques. *European Journal of Criminology*, 6(1), 73-88.
23. Higgins, E., Piquero, L., & Piquero, R. (2011). General strain theory, peer rejection, and delinquency/crime. *Youth & Society*, 43(4), 1272-1297.
24. Jang, S., & Johnso, B. (2005). Gender religiosity, and reaction to strain among African Americans. *The Sociological Quarterly*, 46, 323-357.
25. Kaufman, J. (2009). Gendered responses to serious strain: The argument for a general strain theory of deviance. *Justice Quarterly*, 26(3), 411-444.
26. Lee, R., & Cohen, W. (2008). Examining strain in a school context. *Youth Violence and Juvenile Justice*, 6(2), 115-135.
27. Lorente, F., Peretti-Watel, P., Griffet, J., & Grélot, L. (2013). Alcohol use and intoxication in sport university students. *Oxford Journals, Medicine, Alcohol and Alcoholism*, 38(5), 427-430.
28. Moon, B., Blurton, D., & McCluskey, J. (2007). General strain theory and delinquency: Focusing on the influences of key strain characteristics on delinquency. *Crime & Delinquency*, 54(4), 582-613.
29. Siegel, L. (1998). *Criminology*. London: Wadsworth Publishing Company.
30. Slocum, L. (2010). General strain theory and continuity in offending over time: Assessing and extending GST explanations of persistence. *Journal of Contemporary Criminal Justice*, 26(2), 204-223.
31. Velazquez, C., Poulos, N., Latimer, L., & Pasch, K. (2012). Associations between energy drink consumption and alcohol use

- behaviors among college students. *Drug and Alcohol Dependence*, 123(1), 167–172.
32. Wang, X., & Holtfreter, K. (2011). The effects of corporation- and industry-level strain and opportunity on corporate crime. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 3(8), 1-35.